

بررسی و نقد ترجمه کتاب رابط علم طبیعی به الهیات

علی‌رضا فارسی‌نژاد*

چکیده

در مورد "رابطه علم و دین" یا "رابطه علم و الهیات"، کتاب‌های متعددی نگاشته یا ترجمه شده است. یکی از این کتاب‌ها، کتاب "The relevance of natural science to theology" اثر ویلیام اچ. آستین است. این کتاب از معدود کتاب‌هایی است که به صورت تخصصی و تفصیلی به مسأله‌ی رابطه‌ی علم طبیعی و الهیات پرداخته است. کتاب مزبور توسط علی حقی با عنوان "رابط علم طبیعی به الهیات" ترجمه شده است. نگارنده با هدف ارزیابی و نقد محتوای کتاب، سراغ ترجمه‌ی فارسی آن رفت، اما ترجمه را آن‌قدر مبهم و نارسا و پر غلط یافت، که ترجیح داد به جای نقد محتوای کتاب، با روش تحلیلی - انتقادی به نقد ترجمه‌ی کتاب بپردازد. ترجمه کتاب مزبور با وضع موجود برای هیچ متن درسی و حتی منبع تحقیقی مناسب نیست. ارائه چنین ترجمه‌ای با این حجم از اشکالات، جهت چاپ از سوی مترجم محترم، و انتشار آن از سوی ناشر محترم بدون داوری تخصصی قبل از چاپ یا دست‌کم بدون برطرف نمودن اشکالات ظاهری، جای بسی تأمل دارد.

کلیدواژه‌ها: رابطه علم و دین / الهیات، علم طبیعی، الهیات، ویلیام اچ. آستین، علی حقی

* استادیار فلسفه و کلام اسلامی، عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)،
alifarsi@shirazu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۷

۱. مقدمه

رابطه‌ی علم و دین/الهیات، از دیر باز مورد توجه اندیش‌مندان جهان بوده است اما اوج این مسأله، بعد از قرون وسطا و بعد از رنسانس و بویژه در دوره جدید تاریخ فلسفه و تمدن غربی بوده است که علوم تجربی به نوعی بر فلسفه و علوم عقلی برتری یافت (نک: خسروپناه، ۱۳۸۲، صص ۳۵-۳۲ و ۸۹؛ محیطی اردکانی، ۱۳۹۲، ص ۳۰) و عده‌ای شیفته و دلباخته علوم تجربی شده و علوم عقلی و دینی را بی‌اعتبار دانسته و آن را به چالش کشیدند؛ بویژه در مواردی که یافته‌ها و حتی داده‌های علم تجربی، در ظاهر با آموزه‌های دینی ناسازگار می‌نمود.

در مورد رابطه‌ی علم و دین/الهیات و سازگاری یا ناسازگاری آن دو، کتاب‌های متعددی به زبان فارسی تألیف و ترجمه شده است؛ از جمله کتاب‌های تألیفی می‌توان به کتاب *رابطه علم و دین در غرب* (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۹)، *تأملاتی در باب رابطه علم و دین* (علی‌زمانی، ۱۳۸۰)، *علم و دین* (زینلی، ۱۳۸۹)، *رابطه علم و دین* (مصباح یزدی، ۱۳۹۲) و *دین و علوم طبیعی* (رضایی مهر، ۱۳۹۲) اشاره کرد. در مورد کتابهای ترجمه شده نیز شاید اولین و مهم‌ترین کتابی که در این زمینه ترجمه و چاپ شده و مرجع پژوهش‌های بعدی قرار گرفته است، کتاب *علم و دین* نوشته‌ی ایان باربور است که بهاء‌الدین خرمشاهی آن را ترجمه نموده و نشر دانشگاهی آن را در سال ۱۳۶۲ به چاپ رسانیده است؛ این کتاب، احتمالاً اولین کتاب ترجمه شده به زبان فارسی است که به صورت مستقل و مفصل به مسأله‌ی رابطه‌ی علم و دین پرداخته است. کتاب دیگری که به این مسأله پرداخته و به فارسی ترجمه شده است، کتاب *دین پژوهی* نوشته‌ی میرچا الیاده است که باز بهاء‌الدین خرمشاهی آن را ترجمه نموده و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در سال ۱۳۷۲ آن را منتشر ساخته است. نویسنده کتاب در پایان دفتر دوم این کتاب، بحث کوتاهی را به مسأله‌ی علم و دین اختصاص داده است (نک: الیاده، ۱۳۷۵، ج ۱، صص ۴۲۰-۳۸۵)؛ سومین کتاب ترجمه شده به زبان فارسی که یک فصل آن را به سازگاری یا ناسازگاری علم و دین اختصاص داده است، کتاب *عقل و اعتقاد دینی* نوشته‌ی مایکل پترسون و دیگران است که توسط احمد نراقی و ابراهیم سلطانی ترجمه شده و انتشارات طرح نو در سال ۱۳۷۵ آن را منتشر نموده است (نک: پترسون و دیگران، ۱۳۷۵، صص ۳۹۷-۳۵۸). کتاب دیگری با عنوان *علم و دین: از تعارض تا گفتگو* توسط جان اف هات نوشته شده که بتول نجفی در سال ۱۳۸۲ آن را به فارسی برگردانده است.

به نظر می‌رسد کتاب "ربط علم طبیعی به الهیات" نوشته‌ی ویلیام اچ آستین، بعد از کتاب علم و دین ایان باربور و کتاب علم و دین: از تعارض تا گفتگو، سومین کتاب مستقل و مفصل در این زمینه است که توسط علی حقی به زبان فارسی ترجمه شده و نشر علم آن را منتشر نموده است. نویسنده‌ی این کتاب از جمله کسانی است که طرفدار وجود رابطه میان علم و دین/ الهیات یا به تعبیر خود وی، "ربط علم طبیعی به الهیات" می‌باشد؛ وی دیدگاه‌های متعدد قائلین به بی‌ربطی علم و الهیات را مورد نقد و بررسی قرار داده و پس از نقض و رد آنها، مدعی وجود روابط متعددی میان علم طبیعی و الهیات شده است.

نگارنده با هدف ارزیابی و نقد محتوای کتاب مزبور، به سراغ ترجمه‌ی فارسی آن رفته و به شیوه تحلیلی - انتقادی به مطالعه‌ی آن پرداخته اما ترجمه‌ی کتاب را آنقدر مبهم و نارسا و پرغلط یافته که به جای نقد محتوای کتاب، به نقد صوری و محتوایی ترجمه‌ی کتاب پرداخته است.

مقاله حاضر، پس از معرفی کلی اصل کتاب، ابتدا به نقد و بررسی ابعاد شکلی و صوری و سپس به نقد و بررسی محتوایی ترجمه‌ی کتاب پرداخته است.

۲. معرفی کلی اصل کتاب

نام انگلیسی کتاب، "The relevance of natural science to theology" بوده که ویلیام اچ. آستین (William Harvey Austin) آن را در سال ۱۹۷۵ در تگزاس نوشته و انتشارات مک میلان (Macmillan) لندن در سال ۱۹۷۶م آن را منتشر ساخته است. کتاب مزبور توسط علی حقی با عنوان "ربط علم طبیعی به الهیات" ترجمه شده و نشر علم در سال ۱۳۹۴ در ۱۹۳ صفحه و به تیراژ ۵۰۰ نسخه آن را به چاپ رسانیده است.

خاستگاه اولیه کتاب، درخواستی بوده که در سال‌های اولیه‌ی قرن بیستم، به مسؤولان آموزش و پرورش ایالت کالیفرنیا داده شده است مبنی بر اینکه در برنامه آموزشی آن ایالت، همانند ساعاتی که به آموزش "نظریه‌ی تکامل" - به عنوان یکی از نظریات مطرح در حوزه‌ی علم طبیعی - اختصاص داده شده است، برای آموزش "نظریه‌ی آفرینش" - به عنوان یکی از مهم‌ترین نظریات در حوزه دین - نیز همان تعداد ساعات در نظر گرفته شود. تصمیمی که آکادمی ملی علوم آن ایالت - به دلیل تفکیک قائل شدن بین روش و قلمرو علم و دین - بر رد این درخواست گرفته، نگارنده کتاب را بر آن داشته است تا با نگاشتن این کتاب به بررسی این مسأله بپردازد که آیا ارتباط و پیوندی میان علم طبیعی و الهیات وجود

دارد، یا آن‌گونه که آکادمی ملی علوم ایالت کالیفرنیا گفته‌است، اینها دو قلمرو غیرقابل جمع تفکر بشری هستند؟ بنابراین شاید بتوان گفت که خاستگاه اصلی این کتاب، ردّ نظر آکادمی ملی علوم ایالت کالیفرنیا مبنی بر عدم وجود ارتباط میان علم و الهیات بوده‌است (Austin, 1976, p 1).

پر واضح است که چنین خاستگاهی، عمدتاً در جوامعی وجود دارد که علم‌گرا و علم‌زده باشد یا دینی داشته باشد که به علم و دنیا توجهی نداشته باشد و شاید به همین علت است که کتاب مزبور نیز در فرهنگ مسیحی نوشته شده و هدف آن، بررسی نسبت بین علم طبیعی و سنت‌های عمده‌ی دینی در مغرب زمین بوده و رویکرد خاصی نسبت به ادیان شرقی و از جمله فرهنگ و ارزش‌های اسلامی ندارد، هرچند مباحث کتاب، می‌تواند کاربردپذیر در ادیان شرقی بوده و با آنها و بویژه با فرهنگ و ارزش‌های اسلامی سازگار یا ناسازگار باشد، همان‌گونه که خود مؤلف نیز به این نکته تصریح نموده است (Austin, 1976, p 3).

اصل کتاب دارای شش فصل است: مؤلف در فصل اول یا مقدمه (Introduction)، مسأله را به خوبی طرح کرده و چشم‌انداز روشنی از کتاب را در آن آورده است به گونه‌ای که می‌توان آن را چکیده مفصلی از کتاب به حساب آورد (Austin, 1976, p 1-12). در فصل دوم، نظریه‌ی ابزار انگاری در علم (Instrumentalism In Science) را به عنوان یکی از دیدگاه‌های طرفدار بی‌ربطی علم و الهیات، مطرح نموده و مورد نقد قرار داده و آنگاه با استناد به روایت دوئم از ابزار انگاری، نشان داده است که علم، به صورت مستقیم و غیر مستقیم به الهیات ربط دارد (ibid, p 12-30). در فصل سوم، نظریه‌ی ابزار انگاری در دین (Instrumentalism in Religion) را به عنوان یکی دیگر از دیدگاه‌های طرفدار بی‌ربطی علم و الهیات، مطرح نموده و مورد نقد قرار داده و سپس بر ربط علم و الهیات احتجاج نموده است؛ (ibid, p 31-54). در فصل چهارم، با عنوان استدلال‌های دوساحتی (Two-Realms Arguments)، نظریه‌ی قائلین به بی‌ربطی علم و الهیات از طریق تفکیک حوزه‌ها و قلمروهای علم و الهیات را مورد بررسی و نقد قرار داده و نشان داده است که علم، دست‌کم ربط شبه‌مستقیم به الهیات دارد (ibid, p 55-80). در فصل پنجم، با عنوان استدلال‌های زبان‌شناختی (Linguistic Arguments) یکی دیگر از نظریات قائلین به بی‌ربطی علم و الهیات که از طریق تفکیک میان زبان دینی و زبان علمی به سراغ مسأله رفته‌اند را مورد واکاوی قرار داده و احتجاج‌های زبان‌شناختی در دفاع از بی‌ربطی علم به الهیات را

ناکافی و نیازمند ایضاح فراوان دانسته است (ibid, p 81-113). در فصل ششم، که فصل پایانی کتاب است، و مترجم آن را با عنوان مشیت الهی (Providence) نام‌گذاری کرده است، ضمن جمع‌بندی فصول گذشته و بیان وجوه متعددی از ربط علم به الهیات، بر اساس دیدگاه‌های مطرح شده در آن فصول، پای مشیت الهی را به میان آورده و با نقد مفهوم لیبرال مشیت الهی و طرح تفسیری نو از آن در الهیات معاصر مسیحی، تلاش نموده تا در قالب مشیت الهی، وجوهی دیگر از ربط علم طبیعی به الهیات را مطرح نماید، ولی در پایان، ضمن اشاره به پیچیدگی و ابهام مسأله، بحث و تحقیق بیشتری پیرامون آن را پیشنهاد داده است (ibid, p 114-123).

نویسنده‌ی کتاب، تحلیل‌ها و ارزیابی‌های نسبتاً خوبی ارائه داده و نقدهای مفصلی به آرا و نظرات دیگران وارد ساخته و در موارد متعددی آن‌ها را مورد نقض و تردید قرار داده و در برخی موارد نیز رد کرده است (به عنوان نمونه، نک: فصل چهارم، نقد نظریه مکملیت مک‌کی: (ibid, p 79-80)؛ فصل پنجم، نقد نظریه‌ی بازی‌های زبانی: (ibid, p 84-85). البته علی‌رغم تلاش مؤلف برای پرهیز از پیش‌داوری و با وجود تصریح خود وی بر این امر (ibid, p 4)، در برخی موارد، پیش‌فرض‌هایی اتخاذ کرده که به طور صریح در کتاب آمده است (نک: (ibid, p 2&5&29

کتاب مورد نظر از سری کتاب‌های بنیادی است و در صورتی که ویراستاری ادبی و علمی دقیقی بر روی آن انجام پذیرد، منبع خوبی برای انجام پژوهش‌های بنیادی، و کتاب خوبی در زمینه‌ی بیان «رابطه‌ی علم و دین» است که یکی از موضوعات مهم در حوزه‌ی دین‌پژوهی بویژه در حوزه‌ی فلسفه‌ی دین و کلام جدید می‌باشد. البته هرچند کتاب ربط علم طبیعی به الهیات، در نوع خود کم‌نظیر است و با وجود آنکه نسبت به کتاب علم و دین نوشته‌ی ایان باربور تقدم زمانی داشته است و می‌توانست دست‌کم هم‌عرض آن کتاب باشد، اما ظاهراً دیر به دست ایرانیان رسیده یا آن‌که دیر به ترجمه‌ی آن اهتمام شده است و اکنون که آقای علی حقی زحمت ترجمه‌ی آن را کشیده است به دلیل اشتغال بر اغلاط فراوان و عدم دقت کافی در ویرایش و جمله‌بندی‌ها و ابهام زیاد معنای جملات آن - که احتمالاً ناشی از عجله‌ی مؤلف یا ناشر بوده است - بعید است بتواند جایگاه خود را به زودی پیدا کند مگر اینکه به دقت مورد بازنگری و تجدید نظر قرار گیرد که در این صورت امید است بتواند به سرعت جایگاه خود را بازیابد و از کتاب‌های دین‌پژوهی نوشته‌ی میرچا یاده و عقل و اعتقاد دینی نوشته‌ی مایکل پترسون و دیگران که در عین حال که به اختصار به

مسأله‌ی علم و دین پرداخته‌اند اما جزو کتاب‌های مرجع در این زمینه قرار گرفته‌اند، جلوتر رود و حداقل هم‌ردیف کتاب علم و دین ایان باربور و جزو کتاب‌های مرجع در این زمینه قرار گیرد.

۳. نقد و تحلیل ترجمه‌ی کتاب

ترجمه‌ی کتاب هم از حیث شکلی و ظاهری و هم از حیث محتوایی و کیفیت ترجمه، دارای اشکالات فراوانی است که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود:

۱.۳. نقد و بررسی ابعاد شکلی ترجمه‌ی کتاب

۱.۱.۳ مؤلفه‌های جامعیت صوری

از مؤلفه‌های چندگانه جامعیت صوری، تنها پیش‌گفتار (در قالب یادداشت مترجم)، آمده است که آن هم بسیار کوتاه، و همانند سایر بخش‌های ترجمه‌ی کتاب بسیار مبهم، نارسا و پرغلط است. علاوه بر همه‌ی اشتباهات صوری و محتوایی کتاب که در ادامه به آن اشاره خواهد شد، جالب اینجاست که علی‌رغم تأکید نویسنده در مواضع متعدد کتاب و از جمله در مقدمه، مبنی بر عطف توجه وی به "ربط علم طبیعی به الهیات" و نه بالعکس؛ «من صراحتاً تنها به مسأله‌ی پیوند علم به الاهیات توجه خواهم داشت نه ربط الهیات به علم» (Austin, 1976, p 2-3)، مترجم، بحث محوری نویسنده را "ربط الهیات به علم طبیعی" دانسته است؛ «بحث محوری نویسنده یک نکته پیش نیست؛ ربط الاهیات به علم طبیعی» (آستین، ۱۳۹۴، ص ۵، یادداشت مترجم)؛ و این نشان دهنده‌ی عدم دقت کافی در برگردان کتاب است. البته انتظار می‌رفت که مترجم در پیشگفتار (یادداشت مترجم) نام اصلی کتاب به زبان انگلیسی و انتشارات آن و مختصری در مورد نویسنده کتاب بیان می‌نمود که متأسفانه این کار را نکرده است.

۲.۱.۳ کیفیت فنی و ظاهری

- طرح جلد کتاب، خوب و قابل تحسین است؛ چرا که نیمه‌ی پایین جلد کتاب به رنگ قهوه‌ای و خاکی که نشان‌دهنده علم طبیعی و دنیاست، و نیمه‌ی بالای جلد

- کتاب، به رنگ سبز که نشان‌دهنده‌ی الهیات و معنویت است، طراحی شده و خطوطی نیز ربط این دو را نشان می‌دهد.
- از جهت حروف‌نگاری، نوع و شکل قلم خوب است اما اندازه‌ی قلم، کوچک است و چشمان خواننده را می‌آزارد.
 - از جهت صفحه‌آرایی، فاصله‌ی حاشیه‌ها خوب است اما عناوین فصل‌ها به خاطر توخالی بودن، کم‌رنگ است؛ اگر پررنگ‌تر بود یا از قلم دیگری استفاده می‌شد، زیباتر می‌شد.
 - کیفیت چاپ، از حیث مخلوط نشدن خطوط و سطح یکنواختی رنگ، خوب است اما از حیث رنگ چاپ، نسبتاً کم‌رنگ است؛ اگر پررنگ‌تر بود، برای مطالعه بهتر بود.
 - صحافی کتاب، خوب است و مشکلی از حیث عدم چسبندگی اوراق به جلد یا پایین بودن کیفیت چسب و جدا شدن اوراق ندارد.
 - قطع کتاب نیز برای این حجم، خوب و استاندارد است.
 - از جهت نمونه‌خوانی و اغلاط چاپی، بسیار ضعیف است و اغلاط تایپی در سراسر کتاب، فراوان است؛ از فهرست و یادداشت مترجم گرفته تا درآمد نویسنده و همین‌طور متن کتاب و حتی حواشی. هر چند به خاطر تعداد زیاد اغلاط، شاید نیازی به ذکر آن‌ها نباشد و خواننده با نگاه سطحی به جای‌جای کتاب، به اغلاط متعددی برخورد می‌کنند اما چند مورد فاحش آن که نامفهوم شده است، به عنوان مشت نمونه‌ی خروار ذکر می‌شود؛ دوام (همان، ص ۳۵، سطر ۱۳)؛ یادامه پذیری (همان، ص ۴۸، سطر ۱)؛ بهره‌برادری (همان، ص ۱۱۹، سطر ۹)؛ اخلامی (همان، ص ۱۴۳، سطر ۱۹)؛ یوه‌ای (همان، ص ۱۴۸، سطر ۲)؛ معقا تر (همان، ص ۱۵۱، سطر ۱۱)؛ کیون (همان، ص ۱۶۳، سطر ۶)؛ و

۳.۱.۳ میزان رعایت قواعد عمومی نگارش و ویرایش تخصصی

کتاب از حیث رعایت قواعد عمومی نگارش و ویرایش، نیز بسیار ضعیف است و نیازمند بازنگری اساسی و کامل است؛ چون تعداد این موارد آنقدر زیاد است که موجب ابهام معنای جملات شده است و ذهن خواننده را از درک و فهم مطالب باز می‌دارد؛ برخی از این موارد عبارت است از:

الف) عدم استفاده از ویرگول: نک: همان، صص ۵، ۱۵، ۲۲، ۲۴، ۲۶، ۳۲، ۴۴، و

- (ب) عدم استفاده از نقطه‌ویرگول: نک: همان، صص ۸، ۲۶، و
- (ج) عدم استفاده از گیومه: نک: همان، صص ۸، ۳۲، و
- (د) استفاده‌ی نابجا از گیومه: نک: همان، ص ۸
- (ه) تکرار حروف و کلمات: نک: همان، صص ۶، ۱۱، ۱۷، ۲۱، ۴۷، ۹۵، ۱۲۵، ۱۴۲، و
- (و) افتادگی برخی حروف و کلمات: نک: همان، صص ۴، ۷، ۲۴، ۳۲، ۱۲۳، ۱۲۷، و
- (ز) به هم چسبیدگی حروف یا کلمات: نک: همان، صص ۱۳، ۲۶، ۳۵، ۷۰، ۱۰۳، ۱۱۰، ۱۲۵، ۱۴۳، و ...
- (ح) فاصله‌ی زیاد حروف یا کلمات: نک: همان، صص ۱۸، ۲۵، ۱۰۶، ۱۱۱، ۱۲۵، و
- (ط) عدم رعایت نیم‌فاصله: تعداد آن، به قدری زیاد است که نیازی به ذکر نمونه نیست؛ با نگاه ظاهری به هر صفحه، چندین مورد به چشم می‌آید. به عنوان نمونه نک: همان، صص ۱۵، ۱۶، و

۴.۱.۳ میزان روان و رسا بودن

با وجود آنکه متن اصلی کتاب به اذعان خود مترجم خالی از ابهام و غموض بوده است؛ «متن کتاب با آن که عاری از ابهام و بدون تعقید است، ...» (همان، ص ۵) اما ترجمه‌ی کتاب، بسیار مبهم و نارساست و از این حیث نیاز به بازبینی جدی و اساسی دارد. در ذیل به نمونه‌هایی از ابهامات و نارسایی‌ها اشاره شده است:

الف) در موارد متعددی، کلمات و عبارات ترجمه شده، در جمله‌بندی فارسی در جای مناسب قرار نگرفته است و به همین خاطر جمله، نامفهوم یا دیرفهم شده است. به عنوان نمونه: «... می‌تواند سازگار حداکثر با ...» (همان، ص ۱۱۴)؛ «... علمی با فقط ...»، (همان، ص ۱۱۵) و

ب) در موارد متعددی از کلمات و عبارات ثقیل یا نامأنوس استفاده شده و موجب شده که خواننده برای درک مطلب به فرهنگ لغت فارسی و انگلیسی و عربی نیاز داشته باشد. به عنوان نمونه نک: همان، ص ۸ (مقصود)؛ همان، ص ۱۲، (نیوش‌اند)؛ همان، صص ۱۳ و ۱۱۱، (مانحن فیه)؛ همان، ص ۳۱، (هستومندهای)؛ همان، ص ۳۴، (متعاطی)؛ همان، ص ۴۱، (ستتاً)؛ همان، ص ۱۱۱، (مع هذا)؛ همان، ص ۱۲۴، (التباس)؛ همان، ص ۱۵۲، (هیچ چنان)؛ همان، ص ۱۵۷، (درخور مربوط)؛ همان، ص ۱۶۱، (آکسیوماتیز) و

ج) در برخی جملات پرسشی، از دو واژه‌ی پرسشی استفاده نموده و معمولاً، عبارت «آیا» را به صورت زائد استفاده کرده است. نک: همان، ص ۸ و غیره.

د) در موارد متعددی، کلماتی به صورت جمع به کار رفته و سبب ابهام جمله شده است در صورتی که بایستی مفرد به کار می‌رفت. به عنوان نمونه نک: همان، ص ۱۲، (یک استدلال‌هایی)؛ همان، ص ۲۳، (هرگونه فرضیه‌هایی)؛ همان، ص ۴۱، (هیچ تره‌های)؛ همان، ص ۶۲، (هر غموض و صعوبت‌هایی)؛ همان، ص ۱۷۸، (هرگونه حکم‌هایی) و

۲.۳ نقد و بررسی ابعاد محتوایی ترجمه‌ی کتاب

ترجمه کتاب علاوه بر اشکالات متعدد شکلی و ظاهری از قبیل اغلاط تایپی، عدم رعایت اصول نگارشی و ویرایشی، و عدم روانی و رسایی متن فارسی، از حیث محتوایی و کیفیت برگردان واژگان و جملات به فارسی نیز دارای اشکالات فراوانی است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱.۲.۳ بی‌دقتی در ترجمه‌ی واژگان تخصصی و عمومی

معادل‌سازی واژگان تخصصی به خوبی صورت نگرفته است. به عنوان نمونه، در ذیل به چند مورد اشاره می‌شود:

نمونه یک: مترجم در مواضع متعدد معمولاً میان واژه‌ی "doctrine" (Austin, 1976, p 4) و واژه‌ی "belief" (ibid) فرق نگذاشته و هر دو را به "اعتقاد" و "باور" ترجمه کرده (آستین، ۱۳۹۴، ص ۱۰) در حالی که واژه‌ی "doctrine" معمولاً به معنای "آموزه" و "تعالیم" به کار می‌رود ((آریان‌پور، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۶۶۱؛ بابایی، ۱۹۹۵، ص ۱۰۴) که عام‌تر از اعتقاد و باور است و شامل همه مسائل دینی و الهیاتی می‌شود.

نمونه دو: مترجم واژه‌ی معروف "non-religious" (ibid) به معنای رایج (غیردینی/غیرمذهبی) را به صورت غیرمأنوس "نامومنانه" (آستین، ۱۳۹۴، ص ۱۰) ترجمه کرده است.

نمونه سه: مترجم عبارت "supernatural causes" (Austin, 1976, p 4) که به معنای رایج (علل فوق طبیعی) است (آریان‌پور، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۲۳۸) را "علل ماورای علمی" ترجمه کرده است (آستین، ۱۳۹۴، صص ۷-۸) که مأنوس نبوده و بلکه نادرست است.

علاوه بر بی‌دقتی در معادل‌سازی واژگان تخصصی، در موارد متعددی، معادل‌سازی واژگان عمومی نیز به دقت انجام نشده است:

نمونه یک - مترجم واژه "decade" (Austin, 1976, p 1) را "دوران (قرن بیستم)" ترجمه کرده است (آستین، ۱۳۹۴، ص ۷) در صورتی که ترجمه‌ی معهود آن، "دهه" است (آریان‌پور، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۵۷۵) که با ادامه‌ی متن نیز هم‌خوانی بیشتری دارد.

نمونه دو: مترجم واژه "some ways" (Austin, 1976, p 2) را "شیوه‌ای" ترجمه کرده (آستین، ۱۳۹۴، ص ۸) در صورتی که معنای دقیق آن، "به وجهی، به طریقی، به نحوی از انحاء" است (آریان‌پور، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۱۳۰). هم‌چنین، "not others" (ibid) را "همه‌ی شیوه‌های دیگر" معنا کرده (همان) که دقیق نیست بلکه معنای دقیق آن (نه سایر وجوه/راه‌ها) است.

۲.۲.۳ ناهم‌خوانی در ترجمه (معادل‌های گوناگون برای یک واژه)

نمونه یک: مترجم واژه‌ی "theology" (Austin, 1976, p 4) را در برخی مواضع "دین" ترجمه کرده (آستین، ۱۳۹۴، ص ۹) در حالی که معنای رایج و بلکه دقیق آن "الهیات" است ((آریان‌پور، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۳۰۷؛ بابایی، ۱۹۹۵، ص ۴۰۸) و خود مترجم نیز در بیشتر موارد، همین‌گونه ترجمه کرده است (پیشین، صص ۸، ۱۰ و...). این مورد، نوعی ناهم‌خوانی در ترجمه محسوب می‌شود.

۳.۲.۳ ثقیل بودن ترجمه برخی کلمات و عبارات

نمونه یک:

مترجم عبارت "be limited" (Austin, 1976, p 2) به معنای فارسی روان (محدود بودن) (آریان‌پور، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۳۱۸) را به صورت نامفهوم "مقصود شوند" (آستین، ۱۳۹۴، ص ۸) ترجمه کرده است.

نمونه دو:

مترجم واژه "to consider" (Austin, 1976, p 2) که به معنای "بررسی کردن، ملاحظه کردن، و..." (آریان‌پور، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴۷۶) است را به صورت نامفهوم "امعان نظر کنم" ترجمه کرده است (آستین، ۱۳۹۴، ص ۸). هم‌چنین در ادامه، واژه‌ی "concerning"

(Austin, 1976, p 2) به معنای (در مورد، در خصوص، درباره) را به صورت مبهم "در امعان نظر کردن در باب" ترجمه کرده است (آستین، ۱۳۹۴، ص ۸).

۴.۲.۳ مبهم و نامفهوم بودن ترجمه‌ی بسیاری از جملات

برخی جملات، آنقدر نامفهوم ترجمه شده است که خواننده متوجه مقاصد کتاب نمی‌شود. در زیر چند نمونه از ترجمه‌های مترجم به همراه ترجمه پیشنهادی آمده است که مقایسه آنها می‌تواند مؤید این مطلب باشد:

نمونه یک

Plainly the metaphor of 'dimensions' needs to be explicated if two-realms arguments based on it are to succeed (Austin, 1976, p 10).

ترجمه مترجم: «پیدا است که استعاره ابعاد را اگر قرار باشد که استدلال‌های دو-ساحتی که مبتنی بر آن هستند بخواهند توفیق پیدا کنند، نیاز به ایضاح دارد» (آستین، ۱۳۹۴، ص ۲۰).

ترجمه پیشنهادی: به طور واضح استعاره «ابعاد» نیاز به توضیح دارد، اگر استدلال‌های دو ساحتی مبتنی بر آن به موفقیت برسند.

نمونه دو

Crucial to MacKay's definition is the notion of the standpoint from which a statement is made (Austin, 1976, p 10).

ترجمه مترجم: «مفهوم دیدگاه در تعریف مک‌کی سرنوشت ساز است که از آن این جمله ساخته می‌شود» (آستین، ۱۳۹۴، ص ۲۱).

ترجمه پیشنهادی: برای تعریف مک‌کی (MacKay)، تصور دیدگاهی که بر اساس آن، جمله ساخته می‌شود، بسیار مهم است.

نمونه سه

Hence any hypotheses which sound as if they might be descriptions of realities behind the appearances are to be taken instrumentalistically, and scientific theories cannot possibly conflict with metaphysical or theological doctrines, which are meant to describe underlying realities (Austin, 1976, p 16).

ترجمه مترجم: «از این روی، هر فرضیه‌ی معقولی چنان که گویی توصیف‌هایی از واقعیاتی تواند باشد که در پس پشت پدیدارها ابزارانگاران انگاشته می‌شوند و تئوری‌های ممکن نیست با متافیزیک و با معتقدات الهیاتی در تعارض افتند، چرا که مراد و مقصود از آنها توصیف نمودن واقعیت‌های زیربنایی است» (آستین، ۱۳۹۴، ص ۲۸).

ترجمه پیشنهادی: از این روی، هر فرضیه‌ای که به نظر برسد، ممکن است توصیفی از واقعیت‌های پشت پرده باشد که بصورت ابزار انگارانه تلقی شده است، و نظریه‌های علمی احتمالاً نمی‌توانند با آموزه‌های متافیزیکی یا الهیاتی که توصیف‌گر واقعیت‌های اساسی هستند، در تضاد باشند.

۵.۲.۳ ناقص بودن ترجمه‌ی بسیاری از جملات

مترجم در برخی جملات، ترجمه را ناقص رها کرده و خواننده را منتظر ادامه جمله گذاشته است:

نمونه یک

In Chapter 5 we consider two closely related types of argument which can illuminatingly be regarded as specifying senses in which scientific and religious statements are made from mutually exclusive standpoints (Austin, 1976, p 11).

ترجمه مترجم: «در فصل ۵ در باب دو سنخ از استدلال که ربط وثیقی به هم دارند و می‌توانند به وجه روشنگرانه تشخیص بخش به صحنه‌هایی به حساب آیند که در آن صحنه‌ها، عبارت‌های علمی و دینی ساخته شده بر پایه نظرگاه‌های مانع الجمع، مورد امعان نظر قرار خواهند گرفت» (آستین، ۱۳۹۴، ص ۲۱).

ایرادات

- ناقص بودن جمله و منتظر گذاشتن خواننده: «در فصل ۵ در باب ... مورد امعان نظر قرار خواهند گرفت»، «؟»
- مبهم و ثقیل بودن جمله به خاطر حذف فعل جمله آخر و انتقال فعل جمله اول به انتهای جمله آخر.
- ترجمه نادرست واژه "senses" که به معنای "حواس، مفاهیم، معانی، مضامین و ..." است (آریان‌پور، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۰۳۶)، به "صحنه‌هایی" که ترجمه‌ی واژه "scenes" است.

ترجمه پیشنهادی: ما در فصل ۵، دو نوع استدلال کاملاً به هم وابسته را مطرح می‌کنیم که به طور روشن می‌تواند به عنوان مشخص‌کننده مضمونی تلقی شود که در آن، اظهارات علمی و مذهبی از دیدگاه‌های مانعه‌الجمع ساخته شده‌اند.

۶.۲.۳ دقیق نبودن ترجمه‌ی بسیاری از جملات

مترجم در موارد فراوانی، در ترجمه‌ی جملات و بویژه عبارت‌های طولانی و چندوجهی و یافتن فاعل و مفعول یا موصوف و صفت و ... دقت لازم را به کار نگرفته به گونه‌ای که موجب نامفهوم و حتی نادرست شدن ترجمه شده است. این موارد آنقدر زیاد است که کمتر جمله‌ای را در سراسر ترجمه‌ی کتاب می‌توان یافت که دقیق و روان ترجمه شده باشد. در زیر به چند مورد به عنوان نمونه اشاره می‌شود:

نمونه یک:

Editorials and a lively correspondence ensued in Science and other journals (Austin, 1976, p 1).

ترجمه مترجم: «مقالات و نوشته‌های پرشوری در خصوص علم و در مجلات دیگر نگاشته شد» (آستین، ۱۳۹۴، ص ۷).

ایرادات: مترجم واژه "ensued" که به معنای "متعاقب، پی آمدن، و ..." است (آریان‌پور، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۷۴۶) را در ترجمه از قلم انداخته و واژه "in Science" را که عطف به "other journals" و به معنای "در نشریات علمی" بوده، "در خصوص علم" ترجمه کرده و متوجه عطف بودن آن نشده است.

ترجمه پیشنهادی: به دنبال آن، سرمقاله‌ها و مکاتبات زنده‌ای در مجلات علمی و سایر نشریات منتشر شد.

نمونه دو:

we understand that the California State Board of Education is considering a requirement that textbooks for use in the public-schools give parallel treatment to the theory of evolution and to belief in special creation, ... (Austin, 1976, p 1).

ترجمه مترجم: «استنباط ما این است که این درخواست برآورده شود که در برنامه آموزشی ایالت کالیفرنیا، در متون درسی زیست‌شناسی در مدارس دولتی، ساعات برابر به نظریه‌ی تکامل و باور به آفرینش‌گرایی تخصیص داده شود، ...» (آستین، ۱۳۹۴، ص ۷).

ایرادات:

- مترجم عبارت "the California State Board of Education" را "برنامه آموزشی ایالت کالیفرنیا" ترجمه نموده در صورتی که فاعل جمله و به معنای (هیأت مدیره آموزش و پرورش ایالت کالیفرنیا) است.

- مترجم عبارت حال استمراری "is considering a requirement" به معنای (در حال بررسی یک تقاضاست)، را به صورت مجهول "این درخواست برآورده شود" ترجمه کرده است در صورتی که فاعل آن "the California State Board of Education" بوده و در جمله موجود است. همین‌طور فعل "give" را به صورت مجهول "تخصیص داده شود" ترجمه کرده در صورتی که در اینجا معلوم و متعدی بوده و مفعول گرفته است.

- مترجم بر اساس مطالب قبلی، عبارت "parallel treatment" را که در اینجا به معنای (برخورد یکسان) می‌باشد "ساعاتی برابر" ترجمه نموده و همین‌طور عبارت "belief in special creation" را که ترجمه دقیق آن در اینجا (باور به آفرینش ویژه [الهی]) است، "باور به آفرینش گرایی" ترجمه کرده است.

ترجمه پیشنهادی: ما می‌دانیم که هیأت مدیره آموزش و پرورش ایالت کالیفرنیا، در حال بررسی تقاضایی است که کتابهای درسی [زیست شناسی] مورد استفاده در مدارس دولتی [آن ایالت]، با نظریه تکامل و [نظریه] باور به آفرینش ویژه، برخورد یکسانی داشته باشند،

نمونه چهار:

science can, more plausibly than religion, be regarded as a self-contained enterprise with sharply delimited scope and purpose (Austin, 1976, p 3).

ترجمه مترجم: «علم می‌تواند پذیرفتنی‌تر از دین باشد، و مشغله‌ای خودکفا یا مستقل انگاشته شود که حدود و ثغور و غایت آن به دقت مرزبندی شده است» (آستین، ۱۳۹۴، ص ۹).

ایرادات:

- مترجم صفت تفضیلی "more plausibly than religion" را که یک عبارت معترضه است، به قبل از آن ارتباط داده و به صورت یک جمله مستقل ترجمه کرده است و

باعث شده فعل "can" متعلق خود را از دست بدهد در حالی که بایستی به این صورت خوانده و ترجمه شود: "science can ... be regarded as ..."

- مترجم هم‌چنین عبارت "with sharply delimited scope and purpose" که صفت توضیحی برای "self-contained enterprise" است را به صورت یک جمله‌ی مستقل در نظر گرفته و در نتیجه ترکیب وصفی ساده "sharply delimited" به معنای (به شدت محدود) که صفت برای "scope and purpose" بوده را به صورت "به دقت مرزبندی شده است" ترجمه کرده و بر ابهام جمله افزوده است.

ترجمه پیشنهادی: علم می تواند قابل قبول تر از دین، به عنوان یک نهاد مستقل با دامنه و هدف به شدت محدود، در نظر گرفته شود.

نمونه پنج:

to what extent the various arguments to be considered succeed in showing that there is no need for theologians to do so (Austin, 1976, p 4).

ترجمه مترجم: «تا چه حد استدلال‌های گوناگون موفق انگاشته شدند که اثبات می‌نمایند هیچ نیازی به الهی‌دانان نیست که بر این سیرت و سان عمل کنند» (آستین، ۱۳۹۴، ص ۱۰).

ایرادات: علاوه بر روان نبودن ترجمه و عدم رعایت نکات نگارشی و ویرایشی، مترجم عبارت مرکب "to be considered" که صفت برای "various arguments" و به معنای (مطرح شده) بوده را با فعل بعد از خود (succeed) ترکیب نموده و به صورت "موفق انگاشته شدند" ترجمه کرده است. هم‌چنین واژه‌ی "in showing" به معنی (در نشان دادن) را با (prove) به معنای (اثبات کردن) که بار معنایی متفاوتی با آن دارد، مترادف انگاشته و به صورت "اثبات می‌نمایند" ترجمه نموده است. از همه مهم‌تر اینکه عبارت "there is no need for theologians" به معنای (برای الهی‌دانان هیچ نیازی نیست که ...) را به صورت "هیچ نیازی به الهی‌دانان نیست که ..." ترجمه کرده که خالی از دقت است و موجب شده تا واژه‌ی "need"، متعلق خود یعنی (to do so) را از دست بدهد. در اصل، جمله باید این‌گونه خوانده و ترجمه شود: "there is no need ... to do so"

ترجمه پیشنهادی: استدلال‌های گوناگون مطرح شده، در نشان دادن این امر که "نیازی نیست الهی‌دانان آن‌گونه عمل کنند"، تا چه حد موفق‌اند؟

نمونه شش:

there are obvious problems about sub-communities, people on the fringes, the role of organised church bodies, etc.; (Austin, 1976, p 4).

ترجمه مترجم: «در باب جوامع فرعی به وضوح چند مسأله وجود دارد، مردمانی در اقلیت و حاشیه، نقش جوامع کلیسایی و غیره» (آستین، ۱۳۹۴، ص ۱۱).
ایرادات:

- مترجم واژه‌ی "obvious" را که صفت "problems" است را به صورت قید "به وضوح" ترجمه کرده است در حالی که آن دو روی هم به معنای (مشکلات آشکاری) است. ضمن اینکه معلوم نیست مترجم برگردان "چند" که پیش از "مسأله" آمده را از کجا آورده است و احتمالاً مترجم واژه‌ی "obvious" را با واژه‌ی "various" اشتباه گرفته است. البته اگر این گونه باشد، سوال می‌شود که برگردان "به وضوح" از کجا آمده است؟

- مترجم عبارت "there are obvious problems about" را متعلق به "sub-communities" دانسته و موارد بعد از آن را بدل از "problems" گرفته و موجب شده تا معنای جمله به کلی غلط شود در حالی که عبارت مزبور متعلق به کل جمله است.

ترجمه پیشنهادی: مشکلات آشکاری در مورد جوامع کوچک، مردم در حاشیه، نقش هیأت‌های سازمان‌یافته کلیسا و غیره وجود دارد؛

۷.۲.۳ نادرست بودن ترجمه‌ی بسیاری از جملات

دقت در ترجمه‌ی جمله‌های زیر نشان‌دهنده این است که مترجم معنای این جملات را درست متوجه نشده و از پیش خود کلماتی را به آنها اضافه نموده و جمله‌ای ساخته است:
نمونه یک:

there was considerable fear among many scientists (and hope among some others) that they would carry the day (Austin, 1976, p 1).

ترجمه مترجم: «هراس خیلی زیادی در بین دانشمندان برانگیخت (که امیدوار بودند این رعب افکنی در بین دانشمندانی از حوزه‌های دیگر) که در آن روزگار به علم اشتغال داشتند، نیز تأثیر گذار باشد» (آستین، ۱۳۹۴، ص ۷).

ایرادات:

- مترجم عبارت "there was" را به غلط "برانگیخت" ترجمه کرده در صورتی که ترجمه درست آن "وجود داشت" است که با محتوای جمله نیز سازگارتر است و اساساً "there was" به معنای برانگیختن به کار نمی‌رود.
 - مترجم از یک طرف واژه‌ی "considerable fear" را که به معنای (ترس زیاد) است، "هراس خیلی زیاد" ترجمه کرده و از طرف دیگر واژه‌ی "many scientists" را که به معنای (بسیاری از دانشمندان) است، "دانشمندان" ترجمه کرده است که هیچ‌یک دقیق نیست. گویا معنای واژه "many" در عبارت بعدی را به "considerable fear" اضافه نموده و "هراس خیلی زیاد" معنا کرده است.
 - برای واژه‌های "رعبافکنی"، "حوزه‌های دیگر"، "اشتغال به علم" و "تأثیرگذار بودن" در برگردان فارسی، معادلی در متن اصلی وجود ندارد و مترجم از پیش خود ساخته تا جمله را کامل کند.
 - جمله درون پرانتز به کلی نادرست ترجمه شده و اصلاً آنچه در ترجمه آمده، ترجمه‌ی عبارت داخل پرانتز نیست.
 - از همه مهم‌تر اینکه مترجم اصطلاح "carry the day" به معنای (پیروز شدن، غلبه کردن، به موفقیت دست یافتن و ...) (مک کایگ، ۱۳۷۰، ص ۶۹)، را بدون توجه به اصطلاح بودن آن، در قالب یک جمله‌ی معمولی و کاملاً نادرست به صورت "در آن روزگار به علم اشتغال داشتند" ترجمه کرده و معنای جمله را به کلی دگرگون ساخته است.
- ترجمه پیشنهادی:** بسیاری از دانشمندان بیم زیاد (و برخی دیگر امید) داشتند که به موفقیت نائل گردند.
- نمونه دو:
- We, the members of the National Academy of Sciences, ... (Austin, 1976, p 2).
- ترجمه مترجم:** «به یاد می‌آوریم که آکادمی ملی علوم، ...» (آستین، ۱۳۹۴، ص ۸).
- ایرادات:
- مترجم واژه "the members" به معنای (اعضا) را اشتبهاً "remember" یعنی "به یاد آوردن" ترجمه کرده است.
- ترجمه پیشنهادی:** ما اعضای آکادمی ملی علوم، ...

نمونه سه:

(rather sweeping ontological or epistemological premisses, in some cases, or premisses about the nature and purpose of science or of religion) (Austin, 1976, p 2).

ترجمه مترجم: «که مقدمات وجودی یا معرفت‌شناختی، در مواردی، یا مقدماتی درباره‌ی طبیعت و غایت علم یا غایت دین را رفت و روب می‌کنند» (آستین، ۱۳۹۴، ص ۸).

ایرادات:

- مترجم واژه‌ی "rather" به معنای (بیشتر، ترجیحا، نسبتا و ...) (آریان‌پور، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۸۵۹) را "که" معنا کرده و واژه‌ی "sweeping" که در اینجا به معنای (گسترده و فراگیر) است (آریان‌پور، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۲۵۲) را "رفت و روب می‌کنند" معنا کرده که به کلی غلط است بلکه عبارت "rather sweeping" روی هم به معنای (نسبتا فراگیر) است.

- مترجم واژه "nature of science" را که به معنای مصطلح (ماهیت علم) است، به صورت غیرمعمول "طبیعت علم" ترجمه کرده است.

- مترجم عبارت "of religion" را که با "or" به "of science" عطف شده و می‌بایستی هر دو وصف علم یعنی "nature" (ماهیت) و "purpose" (هدف) را دریافت می‌کرد، تنها به هدف علم عطف کرده است.

ترجمه پیشنهادی: (پیش‌فرض‌های نسبتاً فراگیر هستی‌شناختی یا معرفت‌شناختی، در بعضی موارد، یا پیش‌فرض‌هایی در مورد ماهیت و هدف علم یا [ماهیت و هدف] دین ...) نمونه چهار:

'Interpreting' the doctrines means explaining their relation to the believers' experience (both the experiences characteristic of the community, and those which its members have in common with others) and to the body of their non-religious knowledge and beliefs. (Austin, 1976, p 4).

ترجمه مترجم: «تفسیر کردن» این اعتقادات به معنای تبیین کردن نسبتشان با تجربه‌ی مومنان است (هم ویژگی این تجربه‌ها و هم ویژگی این جامعه و آنان که آحاد جامعه‌اش هستند وجه مشترک با دیگران) و با جماعتی دارد که واجد شناخت و باورهای نامومنانه‌ی جامعه است» (آستین، ۱۳۹۴، ص ۱۰).

ایرادات:

- مترجم در اینجا و در مواضع دیگر معمولاً میان واژه‌ی "doctrines" و واژه‌ی "beliefs" فرقی نگذاشته و هر دو را به "اعتقادات" و "باورها" ترجمه کرده در حالی که واژه‌ی "doctrines" معمولاً به معنای (آموزه‌ها) به کار می‌رود.
 - مترجم به دلیل عدم توجه به اضافه‌ی واژه‌ی "characteristic" به بعد از خود، با حرف "of"، جمله‌ی درون پرانتز را به کلی نادرست معنا کرده است.
 - معلوم نیست مترجم بر چه اساسی واژه "both" را به واژه‌ی "characteristic" ربط داده و از آن به "هم ویژگی ... و هم ویژگی ..." رسیده است در حالی که واژه "both" متعلق به (... the experiences ... and those ...) یعنی (هم تجربه‌های ... و هم تجربه‌های ...) است.
 - مترجم اسم اشاره "those" را که اشاره به نوع دیگری از تجربه‌ها دارد، "آنان" ترجمه کرده و عبارت "those which its members" که یک جمله ناقص و بدون فعل و مرتبط با بعد از خود است را یک جمله‌ی کامل ولی کاملاً نادرست ("آنان که آحاد جامعه‌اش هستند") ترجمه کرده است.
 - بدتر از همه اینکه مترجم عبارات بعد از پرانتز را که عطف به عبارات قبل از پرانتز است، به عبارات درون پرانتز مرتبط ساخته و بر اشتباهات ترجمه‌ی این بند افزوده است.
 - مترجم واژه‌ی "body" که در اینجا به معنای (دسته و مجموعه) است را "جماعت" معنا کرده و واژه‌ی معروف "non-religious" که به معنای معروف (غیردینی/غیرمذهبی) است را به صورت نامأنوس "نامومنانه" ترجمه کرده و روشن نیست که برگردان‌های "واجد" و "جامعه" در پایان بند را از کجا آورده است.
- ترجمه پیشنهادی:** "تفسیر کردن" آموزها، یعنی تبیین نسبت آنها با تجربه‌ی مومنان (هم تجربه‌های مختص جامعه، و هم تجربه‌های مشترک اعضای آن جامعه با دیگران) و با آن دسته از معارف و باورهای غیردینی آنها.
- نمونه پنج:

I am thus denying the view, expressed throughout A.D. White's History of the Warfare of Science with Theology, that while science is at war with theology (which

tries to say what is the case and therein inevitably encroaches on science's territory), there can be no conflict of science with religion (which consists in the effort to live a certain kind of life) (Austin, 1976, p 5).

ترجمه مترجم: «بدین سان این نظر را که در سراسر کتاب ا.دی وایت، تاریخ کارزار علم و الهیات به بیان درآمد، طرد و نفی می‌کنم که با آن که علم در کارزار و ستیز با الهیات است (که می‌کوشم به بیان درآورم که موضوع و مسأله از چه قرار است و حقیقت امر چیست که لاجرم پیشروی به سوی ناحیه علم می‌کند) که علم نمی‌تواند با دین در تعارض باشد (و آن عبارت است از این کوشش که بکوشیم بر وفق نوعی از حیات زندگی کنیم)» (آستین، ۱۳۹۴، ص ۱۳).

ایرادات: مترجم جملات درون دو پرانتز را که در واقع دو جمله معترضه است بد ترجمه کرده است و به همین خاطر انسجام جمله از دست رفته است.

ترجمه پیشنهادی: بنابراین من این دیدگاه که در سراسر [کتاب] تاریخ کارزار علم با الهیات [نوشته‌ی] ای.دی وایت (A.D. White) بیان شده [و مدعی است] که در حالی که علم با الهیات (که در تلاش برای بیان چستی قضیه است و از این بابت ناگزیر به قلمرو علم دست‌اندازی می‌کند) در جنگ است، میان علم با دین (که عبارت است از تلاش برای زنده نگه داشتن نوع خاصی از زندگی) می‌تواند هیچ تعارضی وجود نداشته باشد، را انکار می‌کنم.

۸.۲.۳ افتادگی کلمات و جملات کتاب در ترجمه فارسی

۱۸.۲.۳ افتادگی برخی کلمات کتاب در ترجمه فارسی

در موارد متعددی، نویسنده در ترجمه فارسی، به عمد یا به سهو، ترجمه‌ی یک یا چند کلمه را از قلم انداخته و ترجمه نکرده و از پیش خود کلماتی به جمله افزوده و جمله را کامل کرده است:
نمونه یک:

WHEREAS we understand that the California State Board of Education is considering a requirement that textbooks for use in the public-schools give parallel treatment to the theory of evolution and to belief in special creation, ... (Austin, 1976, p 1).

ترجمه مترجم: «نظر به اینکه استنباط ما این است که این درخواست برآورده شود که در برنامه آموزشی ایالت کالیفرنیا، در متون درسی زیست‌شناسی در مدارس دولتی، ساعات برابر به نظریه‌ی تکامل و باور به آفرینش گرایشی تخصیص داده شود، ...» (آستین، ۱۳۹۴، ص ۷).

ایرادات:

- مترجم علاوه بر اینکه جمله را بد ترجمه کرده، عبارت "for use" به معنای (مورد استفاده) و همین‌طور واژه "special" به معنای (خاص و ویژه) را از قلم انداخته است.

ترجمه پیشنهادی: از آنجا که ما می‌دانیم که هیأت مدیره آموزش و پرورش ایالت کالیفرنیا، تقاضایی را بررسی کرده است که کتابهای درسی [زیست‌شناسی] مورد استفاده در مدارس دولتی [آن ایالت]، با نظریه تکامل و [نظریه] باور به آفرینش ویژه، برخورد یکسانی داشته باشند،

نمونه دو:

We, the members of the National Academy of Sciences, assembled at the Autumn 1972 meeting, urge that text- books of the sciences, utilized in the public schools of the nation, be limited to the exposition of scientific matter (Austin, 1976, p 2).

ترجمه مترجم: «به یاد می‌آوریم که آکادمی ملی علوم، در جلسه‌ی پاییزی سال ۱۹۷۲ بر این نکته پای فشرد که کتابهای درسی علوم که در مدارس دولتی مورد بهره‌برداری است، لازم است مقصور شوند به بیان موضوعات علمی» (آستین، ۱۳۹۴، ص ۸).

ایرادات:

- مترجم واژه‌ی "assembled" به معنای (گرد هم آمده) و هم‌چنین واژه‌ی "of the nation" به معنای (کشور) را ترجمه نکرده است. ضمن اینکه برای برگردان "لازم است"، در متن اصلی معادلی وجود ندارد.

ترجمه پیشنهادی: ما اعضای آکادمی ملی علوم، در نشست پاییزی سال ۱۹۷۲ گرد هم آمده و مصرانه خواستاریم که کتابهای درسی علوم مورد استفاده در مدارس دولتی کشور، به بیان موضوع [ات] علمی محدود شوند.

۲۸.۲.۳ افتادگی برخی جملات کتاب در ترجمه فارسی

مترجم گاهی به عمد یا به سهو برخی جملات را از قلم انداخته و ترجمه نکرده است: **نمونه یک:** در صفحه سه متن اصلی کتاب، انتهای پاراگراف اول، جمله‌ای آمده است که در ترجمه کتاب که بایستی در سطور پایانی پاراگراف دوم می‌آمد، ترجمه نشده و سوال پایانی پاراگراف مذکور که به همین جمله مربوط بوده، به جملات قبلی پیوند خورده و موجب ابهام بیش از حد معنای آن بند شده است:

but a scientist wishing to take account of theology would immediately be faced with the question which theology: Catholic, Mahayana Buddhist, or what? (Austin, 1976, p 3)

ترجمه مترجم: «بی‌درنگ با این پرسش رویاروی می‌شود که کدام دین: دین کاتولیک، میانان بودیسم یا چه دین دیگر؟» (آستین، ۱۳۹۴، ص ۹).

ایراد: همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، مترجم سطر اول این بند را ترجمه نکرده است. ضمن اینکه "theology" را دین ترجمه کرده است که دقیق نیست.

ترجمه پیشنهادی: اما دانشمندی که مایل به در نظر گرفتن الهیات است، بلافاصله با این پرسش مواجه می‌شود که کدام الهیات؟؛ کاتولیک؟ ماهایانه بودیسم؟ یا چه الهیاتی؟

۳۸.۲.۳ افتادگی برخی پاراگراف‌های کتاب در ترجمه فارسی

جای بسی تعجب است که نویسنده، گاهی یک پاراگراف را به طور کامل از قلم انداخته و ترجمه نکرده است:

نمونه یک: در صفحه دو متن اصلی، پاراگراف دوم که بسیار مهم بوده و نویسنده به نوعی در آن طرح مسأله نموده و هدف خود را بیان داشته است، و بایستی در صفحه هشت ترجمه می‌آمد، به عمد یا به سهو، به طور کامل از قلم افتاده و ترجمه نشده است. به خاطر اهمیت این پاراگراف و به جهت استفاده علاقه‌مندان، متن این پاراگراف به همراه ترجمه پیشنهادی آن آورده می‌شود:

The thesis advanced in the third 'whereas' clause, i.e. that 'religion and science are ... mutually exclusive realms of human thought,' is the claim I wish to examine in this book. I take the claim to be, not merely that the two realms of thought are distinct, but that they have no bearing on each other. This claim is now widely accepted among scientists, and perhaps still more widely among theologians and philosophers, and forms the basis for

what has been called 'the uneasy truce between science and theology'. Uneasy though it may be, the truce is for the most part welcome on both sides. Perhaps because it is so welcome, there has been (to my knowledge) no careful, sustained, comprehensive examination of its basis, i.e. of the grounds for holding that science and theology are in principle mutually irrelevant. This book is intended as a contribution to such an examination (Austin, 1976, p 2).

ترجمه پیشنهادی: رساله [ی حاضر] بر حسب سومین بند [از چهار بند قطع نامه فوق که در آن عبارت] "در حالی که" [یا "از آنجا که" آمده است]، پیش رفته است؛ یعنی بندی [که در آن] این ادعا مطرح شده است [که] "علم و دین ... قلمروهای غیرقابل جمع تفکر بشراند،" [و] من مایلم در این کتاب [آن را] بررسی کنم. من فرض می‌کنم که [آن] ادعا این باشد که آنها نه تنها دو عرصه‌ی فکری متمایز هستند بلکه هیچ‌گونه ارتباطی با یکدیگر ندارند. این ادعا اکنون در بین دانشمندان به طور گسترده‌ای پذیرفته شده است، و شاید هنوز به طور گسترده‌تری در میان متکلمان و فلاسفه [مورد پذیرش باشد]، و مبنایی را شکل می‌دهد برای آنچه که «[جنگ] آتش بس ناپذیر میان علم و الهیات» نامیده می‌شود؛ [جنگ آتش بس] ناپذیری که چه بسا ممکن است آتش بس در بیشتر موارد، برای هر دو طرف مورد استقبال باشد. (به نظر من) شاید به خاطر اینکه [آتش بس] خیلی مورد استقبال است، هیچ بررسی دقیق، پایدار و جامعی از مبنای آن وجود نداشته است؛ یعنی از زمینه‌های موجودی که [بر اساس آنها] علم و الهیات در اصل، دو طرف بی‌ربط هستند. کتاب حاضر، به عنوان بخشی از چنین بررسی‌ای در نظر گرفته شده است.

۹.۲.۳ کاربرد آموزشی کتاب به عنوان متن درسی یا کمک درسی دانشگاهی

ترجمه‌ی کتاب با وضع موجود، به دلیل مبهم و نارسا بودن و اشتغال بر اغلاط تاییدی و عدم رعایت قواعد نگارش و ویرایش - که بر ابهام آن افزوده است - مناسب برای هیچ منبع درسی نیست. در صورت اصلاح کامل و جامع، اگر خلاصه شده و در قالب کتاب درسی درآید، برای معرفی جهت مطالعه‌ی بخشی از محتوای درس کلام جدید در مقطع کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی، درس فلسفه دین در مقطع کارشناسی ارشد رشته فلسفه دین و درس اندیشه اسلامی ۲ در مقطع کارشناسی رشته‌های مختلف دانشگاهی (ویژه اساتید) می‌تواند قابل استفاده باشد.

۱۰.۲.۳ پیشنهادهای کاربردی در خصوص اصلاحات لازم کتاب

ترجمه‌ی کتاب نیاز به بازنگری اساسی دارد. پیشنهاد می‌گردد نخست از حیث ادبی و رعایت قواعد نگارش و ویرایش و اصلاح اغلاط تایپی، کاملاً ویراستاری شود و سپس توسط فرد دیگری که قلم روانی دارد، ترجمه‌ی کتاب با تطبیق بر متن اصلی، ویراستاری علمی شده و بسیاری از جملات آن، بازنویسی یا بازترجمه شده و مجدداً چاپ و منتشر شود.

۴. نتیجه‌گیری

کتاب "ربط علم طبیعی به الهیات" اثر ویلیام اچ آستین، یکی از معدود کتاب‌هایی است که به صورت تخصصی و تفصیلی به مسأله‌ی رابطه‌ی علم طبیعی و الهیات پرداخته و دیدگاه‌های متعدد قائلین به بی‌ربطی علم و الهیات را مورد نقد و بررسی قرار داده و پس از نقض و رد آنها، مدعی وجود روابط متعددی میان علم طبیعی و الهیات شده و از این حیث دارای نقاط قوت فراوانی است اما ترجمه آن که توسط علی حقی انجام شده است دارای نقاط قوت اندک و دارای نقاط ضعف بسیاری است؛ ترجمه کتاب از جهت نمونه‌خوانی و اغلاط چاپی، از حیث رعایت قواعد عمومی نگارش و ویرایش، از حیث ابهام و تعقید، نیاز به بازنگری جدی و اساسی دارد و با وضع موجود، مناسب برای هیچ منبع درسی و حتی کمک درسی نیست. ارائه این ترجمه از کتاب با این حجم از اشکالات، جهت چاپ از سوی مترجم محترم که کتاب‌های متعددی را ترجمه کرده است مایه تأسف بوده و انتشار آن بدون داوری تخصصی یا دست‌کم بدون برطرف نمودن اشکالات ظاهری آن، از سوی ناشر کتاب که جزو ناشرین مطرح کشور است، جای بسی تأمل دارد.

کتاب‌نامه

آریان‌پور کاشانی، منوچهر (۱۳۷۸). فرهنگ گسترده پیشرو آریان‌پور، جلد اول، چاپ اول، تهران: جهان رایانه.

آریان‌پور کاشانی، منوچهر (۱۳۷۹). فرهنگ گسترده پیشرو آریان‌پور، جلد دوم، چاپ اول، تهران: جهان رایانه.

آستین، ویلیام اچ (۱۳۹۴). ربط علم طبیعی به الهیات، مترجم: علی حقی، چاپ اول، تهران: نشر علم.

بررسی و نقد ترجمه کتاب ربط علم طبیعی به الهیات ۲۶۵

مک کایگ، ایزابل و مارتین مینسر (۱۳۷۰). فرهنگ اصطلاحات انگلیسی - فارسی، مترجمین: پرویز بیرجندی و دیگران، چاپ اول، تهران: نشر قومس.

الیاده، میرچا (۱۳۷۵). دین پژوهی، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، جلد اول، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

بابایی، پرویز (۱۳۷۴). فرهنگ اصطلاحات فلسفه (انگلیسی-فارسی)، چاپ اول، تهران: نگاه.

پترسون، مایکل و دیگران (۱۳۷۹). عقل و اعتقاد دینی، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، چاپ سوم، تهران: طرح نو.

جمعی از نویسندگان (۱۳۸۱). جستارهایی در کلام جدید، چاپ اول، تهران: سمت.

حسین زاده، محمد (۱۳۸۰). فلسفه دین، چاپ دوم، قم: بوستان کتاب.

خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۲). گستره‌ی شریعت، چاپ اول، تهران: نشر معارف.

خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۲). کلام جدید با رویکرد اسلامی، چاپ دوم، قم: نشر معارف.

رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۷۹). رابطه علم و دین در غرب، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

رضایی مهر، حسن (۱۳۹۲). دین و علوم طبیعی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

زینلی، روح الله (۱۳۸۹). علم و دین، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

علی‌زمانی، امیرعباس (۱۳۸۰). تأملاتی در باب رابطه علم و دین، قم: احیاگران.

قاسمی، جواد (۱۳۸۵). فرهنگ اصطلاحات فلسفه، کلام و منطق، چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی.

محیطی اردکان، محمدعلی (مرداد ۱۳۹۲). «بیشینه رابطه علم و دین در اسلام و غرب»، مجله معرفت، شماره ۱۸۸، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲). رابطه علم و دین، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

هات، جان. اف (۱۳۸۲). علم و دین، تهران: کتاب طه.

Austin, William Harvey, 1976, *The Relevance of Natural Science to Theology*, General Editor: John Hick, London and Basingstoke: THE MACMILLAN PRESS LTD.